

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۹ می ۲۰۲۳

نگاهی به برگزاری روز جهانی کارگر، روز معلم در ایران و فراخوان ۱۹ اردیبهشت!

روز اول ماه مه و روز معلم در ایران، روز همبستگی و اعتراض طبقه کارگر جهانی به استثمار و سیستم سرمایه‌داری است. معلمان در ایران و جهان بخشی از طبقه کارگر و کارگران فرهنگی محسوب می‌شوند.

۱۲ اردیبهشت سالروز جان باختن ابوالحسن خانعلی به دست نیروهای سرکوبگر حکومت محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۴۰ است. از آن زمان این تاریخ به صورت غیررسمی روز «معلم» نام گرفت. در دهه هشتاد کانون‌ها و انجمن‌های صنفی با احیای نام ابوالحسن خانعلی، روز معلم را به این مناسبت ثبت نمودند.

همچنین روز نوزدهم اردیبهشت ماه، سالگرد اعدام معلم دل‌سوز کودکان کردستان «فرزاد کمانگر» و یارانش: «شیرین علم‌هولی، فرهاد وکیلی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان» است.

فرزاد کمانگر: «من یک معلم می‌مانم و تو یک زندانبان!»

واقعیت این است این دو گروه که بخش اعظم نیروی کار کشور (یدی و فکری) را در برمی‌گیرند دچار مشکلات عدیده‌ای هستند. کارگران به شدت استثمار می‌گردند و سرمایه‌داران دولتی و غیردولتی با استثمار هرچه شدیدتر نیروی کار با دستمزدهای بسیار ناچیز، روزبه‌روز فربه و چاق‌تر می‌گردند در حالی که فرزندان کارگران و محرومان جامعه، دچار سوءتغذیه شده‌اند.

یک عضو مجلس شورای اسلامی، گفت: خودروهایی که نمایندگان مجلس گرفتند رانت بود و اصل این خبر صحت دارد. ۵۷ نماینده که برخی از آن‌ها برای خودشان نگرفته‌اند و برخی برای اقوام، دوستان و آشنایان گرفته‌اند. برخی برای امامان جمعه یا فرماندارشان گرفته‌اند و از این جهت این نمایندگان بی‌گناه هستند. در واقع امام جمعه گفته من ماشین ندارم و برای وی گرفته است البته پنج نماینده هم به نام خودشان خودرو گرفته‌اند...

از سوی دیگر روزنامه اعتماد نوشت: موضوع عجیب شده است؛ دولت درباره مجلس یازدهم افشاگری کرده، دولت علیه مجلس و حتی یک عضو هیأت رئیسه مجلس علیه سازمان بازرسی در دوران ریاست ریسی بر قوه قضاییه. حالا افکار عمومی با کوهی از سئوالات و ابهامات پیرامون ادعاهایی درباره رد و بدل شدن رانت خودرویی در سه قوه حاکمیتی روبه‌رو است.

البته رشومخواری و دزدی و فساد و جنایت تنها به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و رییس آن پاسدار فالیباف محدود نمی‌شود و کلیه نهادهای سیاسی و نظامی و قضایی جمهوری اسلامی از بیت رهبری گرفته تا الله کرم‌ها و آیت‌الله‌های ریز و درشت را در برمی‌گیرد.

جنبش کارگری ایران به‌مثابه بخشی از جنبش کارگری جهانی، هر سال به استقبال روز جهانی خود می‌رود. برگزاری این روز، در حکومت‌های پهلوی و جمهوری اسلامی با فراز و نشیب‌هایی برگزار شده اما هم حکومت‌های پهلوی‌ها و هم جمهوری اسلامی، همواره تلاش کرده‌اند مانع برگزاری مستقل روز اول ماه مه توسط کارگران شوند. اصولاً سرمایه‌داری جهانی هر کدام با سیاست‌ها و موقعیت خود، مخالف روز جهانی کارگر هستند زیرا روز جهانی کارگر با مبارزه دهه‌های طولانی، به سیستم سرمایه‌داری و دولت‌ها تحمیل شده و ریشه در مبارزه طبقاتی کارگران، به‌ویژه بخش کمونیستی این طبقه دارد.

فقر، بیکاری، افق‌های بسته و تار زندگی خود و فرزندان، سرکوب، بی‌عدالتی، استثمار، غارت همه امیدها و آرزوها و نهایتاً شامل همه آن چیزهایی هستند که زندگی شایسته و منزلت انسانی‌شان را ممکن می‌کنند. وقتی دانشجویان شعار می‌دهند: «فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم» و هنگامی که کارگران پیمانی نفت می‌گویند که از خواست‌های معلمان برای تحصیل رایگان و برخورداری از آموزش با کیفیت و پایان‌دادن به خصوصی‌سازی‌ها پشتیبانی می‌کنند، زیرا آموزش رایگان و با کیفیت و بدون هرگونه تبعیض را حق کودکان خود می‌دانند، در حقیقت آن شعار و این اظهار، پیوند عمیق طبقاتی را در اقصای مختلف جامعه را بیان می‌کنند.



وضع معلمان و نظام آموزش عمومی و عالی کشور با چالش‌های بزرگی مواجه است. به‌طور مشخص وزارتخانه مربوط، به‌طور قطع با چند چالش بزرگ در ماه‌های آینده مواجه خواهد بود. کمبود حدود ۲۰۰ هزار معلم؛ کاهش شدید سطح آموزشی که آزمون‌های رسمی نشان می‌دهد، حدود ۳۰ درصد دانش‌آموزان حتی به کف سطح آموزشی لازم نمی‌رسند؛ مسئله کنکور و تغییر ضوابط آن که از سال جاری آغاز خواهد شد؛ رتبه‌بندی سلیقه‌ای معلمان که تا حدود ۳۰ درصد آنان را نسبت به تصمیمات معترض کرده است؛ ... در کنار تامین بودجه آموزش و پرورش و ده‌ها مشکل دیگر حکایت از خروج نظام آموزش عمومی کشور از مدار توسعه است. این نظام آموزشی هم از حیث شاخص‌های کمی دچار مشکل شده است و هم از حیث شاخص‌های کیفی و از همه بدتر این که مسئله آموزش و پرورش از بحث عمومی خارج شده است.

در حالی که شاغلان اوضاع نابسامان و فلاکت‌باری دارند هم‌زمان بیکاری به یک بحرانی بزرگی در جامعه ایران تبدیل شده است. این امر بیش از آن که ناشی از زیاد بودن تعداد فارغ‌التحصیلان باشد، به علت ناکارآمدی نظام اقتصادی حاکم بر کشور است. به گزارش روزنامه هم‌میهن، اگر دقت کنیم طی سال‌های ۸۵ تاکنون یعنی طی ۱۷ سال فقط حدود ۳ میلیون نفر به تعداد شاغلان کشور اضافه شده است، یعنی تعداد شاغلان فقط حدود ۱۵ درصد بیش‌تر شده است و این بزرگ‌ترین شکست مدیریت در این دوره است. برای فهم اهمیت این شکست کافی است که این رقم را با عملکرد ۱۵

سال پیش از آن یعنی از سال ۷۰ تا ۸۵ مقایسه کنیم که حدود ۷/۵ میلیون شغل یا حدود ۶۰ درصد افزایش اشتغال داشتیم، در حالی که در دوره اخیر بیش از آن دوره نیازمند شغل برای جوانانی بودیم که در دهه ۶۰ متولد شدند. بنابراین مشکل اصلی در بحث سیاست‌های اقتصادی به‌ویژه در دولت اصول‌گرای احمدی‌نژاد بود که تقریباً هیچ شغلی ایجاد نکرد که اگر مطابق گذشته شغل ایجاد می‌کرد، الان وضع کشور چنین نبود که این تعداد فارغ‌التحصیل بیکار داشته باشیم. با ادامه این وضع همه یا قریب به اتفاق فارغ‌التحصیلان نیز در آینده بیکار خواهند شد.

بنابراین در مورد کارگران نیز مسئله اصلی درباره دستمزدها نیز خواسته به‌حق آنان است. جالب است که دولت معتقد است رشد اقتصادی داشته، نفت فروخته، ولی در عمل حقوق کارگران را چند مرتبه کمتر از تورم اضافه کرده، یعنی سهم کارگران از اقتصاد کشور و ارزش افزوده در حال آب رفتن است، به کام دم و دستگاه دولتی و خودی‌ها!

زنان به‌عنوان نصف شهروندان جامعه و بخش قابل‌توجهی از طبقه کارگر در ایران و جهان و نیرویی تعیین‌کننده در جنبش جهانی طبقه کارگر، می‌توانند با مبارزه پیگیر و متشکل خود علاوه بر مبارزه با ستم طبقاتی بر کارگران به ستم جنسیتی بر زنان نیز پایان دهند. جنبش انقلابی که حدود هشت ماه است به رهبری زنان در جامعه ما، راه افتاده است و با وجود سرکوب‌های وحشیانه، اما به عناوین مختلف و با افت خیزهایی ادامه دارد و تاکنون نیز دستاوردهای ماندگاری را برای جامعه ایران به ارمغان آورده است به‌ویژه قدر قدرتی حاکمیت را شکسته است.

جنبش کارگری در هر کشوری پایه و ستون فقرات جنبش‌هاست. طبقه کارگر در قدرتی که در تولید اجتماعی دارد هیچ نیرویی ندارد. برای مثال، اگر کارگران بخش صنایع گاز و پتروشیمی و نفت ایران همانند سال ۵۷ شیر نفت را ببندند در مدت کوتاهی کمر حکومت را خواهند شکست. اما این طبقه کارگر ایران، برای به‌دست آوردن هر خواسته و مطالبه‌ای با موانع و مشکلات جدی و در راس همه سرکوب و اختناق روبه‌رو بوده است. در اعتراض به هر نابرابری، و تلاش برای متشکل شدن در تشکلهای مستقل با سرکوب، اخراج، تهدید و زندان مواجه شده است.

تا آنجا که به زنان ایران بر می‌گردد، بخش قابل‌توجهی از نیروی جنبش برابری‌طلبانه زنان را زنان کارگر تشکیل می‌دهند. معضل و مشکلات این زنان نه صرفاً حقوقی و اجتماعی، بلکه هم‌زمان طبقاتی است.

طی بیش از چهار دهه گذشته، به موازات گسترش شغل‌های قراردادی، قطعه کاری، پاره وقت و کار خانگی بخش‌های گسترده‌ای از مشاغل زنان کارگر، همواره در حاشیه اقتصاد رسمی و بدون پوشش قوانین حمایتی بوده است. طرح تعدیل ساختاری، با ایجاد تغییرات جدی در سازماندهی نیروی کار زمینه چنین شرایطی را فراهم کرده است. تغییر قانون کار بخش بزرگی از کارگران شاغل در کارگاه‌های کوچک را، که زنان بخش بزرگی از آنان را تشکیل می‌دهند، از شمول همین قانون کار ناقص هم خارج کرده است.

تحمیل قراردادهای موقت در سطح وسیع و سراسری و محروم ساختن این بخش از کارگران از بیمه بیکاری، رایج ساختن شرکت‌های پیمانکاری، تداوم خصوصی‌سازی‌ها، اخراج و بیکارسازی وسیع کارگران و ایجاد صف میلیونی نیروی ذخیره کار، این‌ها گوشه‌هایی از تعرض مداوم طبقه سرمایه‌دار ایران بر علیه طبقه کارگر است. البته ناگفته نماند که جمهوری اسلامی ایران خود، بزرگترین سرمایه‌دار ایران است و مستقیماً از استثمار نیروی کار کسب سود بیش‌تر می‌کند.

تهاجم بی‌رحمانه به سطح زندگی و معیشت کارگران سبب کوچک‌تر شدن هر روزه سفره کارگران شده، به‌طوری‌که برای تامین نیازهای ابتدایی و ضروری و سیر کردن خانواده‌هایشان همیشه با معضل اقتصادی روبه‌رو هستند. تعیین حداقل دستمزد چند برابر زیر خط فقر که عموماً با تاخیر پرداخت می‌شود، افزایش ساعات کار و فشار کاری بالا که استثمار شدید کارگران را به‌همراه دارد، در بسیاری موارد زندگی و هستی آن‌ها را بخطر می‌اندازد.

عدم امنیت شغلی و عدم پوشش مشاغل بخش گسترده‌ای از زنان کارگر توسط قانون کار، نه فقط فرصت‌های شغلی برابر را برای زنان به رویا تبدیل کرده است بلکه استقلال اقتصادی زنان را نیز به هدفی غیرقابل دسترس بدل ساخته است.

ورود گسترده نیروی کار زنان به بازار کار در دو دهه اخیر، زنان را به بخش قابل‌توجهی از طبقه کارگر ایران تبدیل کرده است. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که زنان کارگر بی‌حقوق‌ترین و ارزان‌ترین بخش طبقه کارگران و شکننده‌ترین موقعیت را در بازار کار مزدی دارند. تبعیض جنسیتی و نابرابری‌های حقوقی که فرودستی اجتماعی زن را در ایران نهادینه کرده است به سرمایه‌داری اسلامی ایران این اجازه را می‌دهد که بدون هیچ‌گونه محدودیتی از ذخیره کار فوق ارزان و بسیار منعطفی بهره‌برد، بدون هیچ دغدغه‌ای انباشت کند و به رایگان به رشد اقتصادی چند درصدی دست یابد.

به دلیل این که زنان کارگر به‌عنوان بخشی از طبقه کارگر، حضورشان در مبارزه طبقاتی برای عدالت و برابری اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، سازمان‌یابی آنان علاوه بر تشکلهای توده‌ای کارگران، در تشکلهای ویژه زنان کارگر نیز تاثیر تعیین‌کننده‌ای در دستیابی عمومی زنان به برابری جنسیتی و تضعیف مردسالاری دارد. از آنجا که مبارزه زنان کارگر مبارزه‌ای برای رهایی از پایه‌ای‌ترین نابرابری یعنی ستم طبقاتی است، بر همین اساس مبارزه متشکل آنان برای دستیابی به برابری جنسیتی در شرایط کنونی نیز جدی‌ترین و پیگیرترین و برجسته‌ترین بخش از جنبش عمومی زنان برای برابری اجتماعی است.

هر گونه تلاش و کوشش در جهت به میدان آمدن زنان کارگر، در خدمت اتحاد و متشکل‌شدن گسترده تر طبقه کارگر است. زنان کارگر شاغل، بیکار، خانه‌دار، زانی که قربانی آسیب‌های اجتماعی‌اند، زنان سرپرست خانواده و ... با منفعت طبقاتی مشترک، بخشی از طبقه کارگران و نیاز به متشکل‌شدن دارند. این زنان طی یک مبارزه پیگیر و متشکل است که قادر خواهند بود با اتکاء به نیرو و منافع طبقاتی خود باورهای کهنه را در مورد زن و جایگاه او در جامعه تغییر دهند و با پیوند زدن این مبارزات به مبارزه اجتماعی طبقه کارگر، آزادی و برابری پایدار برای همه زنان را واقعیت بخشند. تلاشی که از هشت ماه پیش با شعار محوری «زن، زندگی، آزادی» آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

روز دوشنبه ۱۱ اردیبهست ۱۴۰۲، روز جهانی کارگر، شماری از کارگران و بازنشستگان در شهرهای مختلف ایران به خیابان‌ها آمدند و ضمن گرامی‌داشت روز جهانی خود، به عدم تحقق مطالبات خود در زمینه‌های مختلف اعتراض کردند.

براساس گزارشات، بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای سنندج، رشت، اهواز، شوشتر، دزفول، کرمانشاه، کرمان، ساری و...، در روز جهانی کارگر در مقابل ادارات کار و تاین اجتماعی دست به تجمع اعتراضی زده و شعارهایی را علیه حاکمیت سر دادند.

بر اساس گزارشات مختلف، کارگران پروژه‌ای غیر مستمر و مستمر بیش از ۱۱۰ واحد صنعتی و تولیدی پیمان‌کاری و طرف قرارداد با شرکت نفت و پتروشیمی، به «کمپین ۱۴۰۲» و به اعتصاب سراسری که از روز اول اردیبهشت آغاز شده است پیوستند.

کارگران پیمانی نفت و گاز، با مطالبه فوری افزایش ۷۹ درصدی دستمزد، کاهش روز و ساعت کار، بهبود وضعیت خوابگاه‌ها و غذا و خلع بد از شرکت‌های پیمان‌کاری، دور چهارم از اعتصابات سراسری خود را آغاز کردند.

یک کارگر حاضر در اعتصابات سراسری کارگران پروژه‌ای به ایران‌وایر می‌گوید: «۷ اردیبهشت ۱۴۰۲، مدیرعامل منطقه ویژه پتروشیمی در استان بوشهر، از جذب کارگر جدید و اخراج کارگرانی که دست به اعتصاب زدند، خبر داده است.»

وی گفته است که همکاری‌اش در پتروشیمی دهلران نیز در وضعیت مشابهی قرار دارند: «بعد از جلسه‌ای که مقامات اداره کار و امور اجتماعی استان دهلران با مسئولان پتروشیمی داشته‌اند، برای کارگران اعتصابی پیامکی از سوی اداره کار ارسال شده که اگر تا روز شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ به کار برنگردند، اخراج آن‌ها از سوی پیمان‌کاران قانونی خواهد بود و اداره کار حامی شما نیست.»

همزمان با روز جهانی کارگر نیز، خبرگزاری «کار ایران» در گزارشی نوشت که مدیران پتروشیمی چوار ایلام، ۲۰۰ کارگر پیمانی را که به اجرا نشدن طبقه‌بندی مشاغل و وضعیت معیشتی خود معترض بودند، ممنوع‌الورود کرده‌اند. در این گزارش، به نقل از این کارگران آمده است که در روزهای گذشته پس از اعتراض به دستمزد پایین و اجرا نشدن طرح طبقاتی، از ورود آن‌ها به پتروشیمی جلوگیری شده است. تمامی این کارگران قرارداد موقت دارند و به واسطه شرکت‌های پیمان‌کاری مشغول به کار هستند.

با این‌همه، منابع کارگری در روز جهانی کارگر، از تجمع و اعتصاب شماری از کارگران روزمزد پروژه‌ای در قشم خبر دادند.

در ویدیویی که از این تجمع منتشر شده، پلاکاردهایی با محتوای «نه به تبعیض و ستم علیه کارگران»، «کارگر زندانی آزاد باید گردد، زن زندگی آزادی»، «کارگران از هر نژاد، مذهب و ملیت که باشند متحدند» و «زنده‌باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان»، در دست کارگران دیده می‌شود.

علاوه بر آن، شماری از کارگران شرکت یزدتایر در این شهر، برای سومین روز پیاپی در محوطه این شرکت تجمع کرده و دست از کار کشیدند.

این کارگران که نیروهای پیمان‌کاری هستند، در اعتراض به تداوم مشکلات خود، وضعیت بد معیشتی و دستمزدهای پایین، دست از کار کشیدند.

اتحادیه آزاد کارگران نوشته است که کارگران معترض یزدتایر که در بهمن سال گذشته نیز در جریان اعتراضات خود قول مساعد برای رسیدگی به مشکلاتشان از کارفرمایان گرفته بودند، گفته‌اند: «از آن زمان تاکنون، اتفاقی نیفتاده و کارفرمایان به وعده خود عمل نکرده‌اند.»

ایران‌وایر پیش‌تر در گزارشی، به اعتراضات سال گذشته این کارگران پرداخته بود. آن‌ها مطالبات خود را عدم پرداخت حقوق و ناکافی بودن آن اعلام کرده بودند.

کارگران شاغل در حوزه ساخت‌وساز نیز، از جمله گروه‌هایی بودند که امروز در ایران، روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

ویدیویی مربوط به گردهمایی اعضای «انجمن صنفی استادکاران و کارگران ساختمانی کامیاران» در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده که در آن، شماری از اعضای این انجمن، کاغذهایی حاوی شعارهایی صنفی و کارگری در دست دارند که بازتاب‌دهنده مطالبات این گروه از کارگران استان کردستان است.

تصاویری نیز از تجمع اعضای انجمن کارگران و استادکاران ساختمانی در میدان اصلی شهر مریوان نیز منتشر شده، که در اقدامی مشابه، روز جهانی کارگر را با قرائت بیانیه‌ای این روز گرامی داشته‌اند.

همزمان، شماری از پرستاران و کادر درمان در بیمارستان امام سجاد کرج، با تجمع در محوطه این بیمارستان، به ناعادلانه بودن تعرفه پرستاری، پرسنل اتاق عمل و بیهوشی، عدم پرداخت پول لباس و پرداخت مبلغی ناچیز به عنوان پول غذا برای پرسنل، دست به تجمع اعتراضی زدند.

اعتراضات روز جهانی کارگر در ایران در شرایطی برگزار شده است که شمار زیادی از کنشگران صنفی و فعالان حوزه کارگری احضار و بازداشت شده، یا در معرض پرونده‌سازی‌های امنیتی قرار گرفته‌اند.

به دنبال بازداشت شماری از فعالان حقوق کارگران و کنشگران صنفی که شامگاه جمعه ۸ اردیبهشت در جریان یورش ماموران امنیتی به منزل «محمد حبیبی»، سخن‌گو دربند کانون صنفی معلمان اتفاق افتاد، روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، خبرگزاری «فارس»، اتهامات تازه‌ای علیه «آنیسا اسداللهی» و «ریحانه انصاری‌نژاد»، دو تن از مدافعان حقوق کارگران مطرح کرد.

نویسنده این گزارش نوشته است که «اعضای یک جلسه تشکیلاتی متشکل از عناصری با سوابق وابستگی به گروهک‌های ضد انقلاب مارکسیستی، منافقین و جاسوسان فرانسوی، بازداشت شدند».

خبرگزاری فارس، همچنین مدعی شده است که «بازداشت‌شدگان که جملگی دارای سوابق بازداشت بوده و با برخورداری از عفو رهبری آزاد شده بودند، با هدف طراحی و هماهنگی برای ایجاد تنش در تجمعات کارگری و معلمین و هدایت آن‌ها به سوی اعتصابات سراسری و نیز برجسته‌سازی مجدد پروژه مسمومیت‌های مصنوعی در مدارس، گرد هم آمده بودند».

همچنین خبرگزاری «ایلنا» به نقل از «فرامرز توفیقی»، نماینده پیشین کارگران در شورای عالی کار، نوشته است که با گذشت تنها چهل روز از آغاز سال ۱۴۰۲، نرخ سبد معیشت افزایش قابل‌توجهی داشته و «سبد معیشت ۱۸ میلیون تومانی ابتدای سال، امروز به رقم ۲۱ میلیون تومان رسیده است».

شهرهای مختلف ایران، روز ۱۰ اردیبهشت و در آستانه فرا رسیدن روز کارگر و روز معلم نیز، صحنه گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران شاغل و بازنشسته اصناف گوناگون بودند و در بیش از ۱۱ استان کشور، اعتراضات کارگران و بازنشستگان برگزار شد.

برگزاری تجمع‌ها و راهپیمایی‌های کارگران و بازنشستگان در روز جهانی کارگر، اول ماه مه، در ایران با تهدید و بازداشت کارگران و ایجاد درگیری مقامات با آنها همراه بود؛ همزمان، یک فعال کارگری گفت سبد معیشت به ۲۱ میلیون تومان در ماه رسیده است.

بنا به گزارش‌های رسیده به صدای آمریکا در روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، مصادف با اول ماه مه روز جهانی کارگر، شمار زیادی از بازنشستگان هفت‌تپه و شوش در شهرستان شوش در استان خوزستان راهپیمایی کردند و شعار دادند: «فقط کف خیابون به دست میاد حق‌مون» و «ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه».

همزمان، کارگران کانال مستقل کارگران هفت‌تپه گزارش داد که «عوامل مدیریت با کمک نیروهای حراست» به نمایندگان مستقل کارگری که در مقابل ساختمان مدیریت اعتصاب غذا کرده بودند، حمله کردند.

بر اساس این گزارش، «نیروهای حراست با یوسف بهمنی و ابراهیم عباسی درگیر شدند» و در اعتراض به این اقدام، کارگران تجمع کردند و در واکنش، نیروهای حراست و عبدعلی ناصری مدیر شرکت، در اقدامی «از پیش برنامه‌ریزی شده»، شرایط را «متشنج کردند».

عبدعلی ناصری هفته گذشته در گفتگو با خبرگزاری ایرنا، با اشاره به ضرب‌المثل «خر مال کسی است که سوارش می‌شود»، گفته بود: «ما هم سوار خر شدیم و پیاده هم نمی‌شویم. هفت‌تپه را ول نخواهیم کرد».

پس از آن، نمایندگان کارگران این شرکت خواستار عذرخواهی رسمی او شدند.

در ساری، مرکز استان مازندران، نیز بازنشستگان به خیابان آمدند و ضمن راهپیمایی شعار دادند: «حقوق ما ریالیه، هزینه‌ها دلاریه.»

همزمان با اول ماه مه روز کارگر، عطا باباخانی، راننده بازنشسته و عضو شناخته‌شده سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، صبح روز دوشنبه بازداشت شد.

به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، آقای باباخانی به همراه همسر و فرزندش در حال رانندگی بود که ماموران امنیتی، آنها را به خانه برگرداندند و پس از تفتیش خانه، این فعال کارگری را بازداشت کردند و با خود بردند.

بنا بر این گزارش به خانواده آقای باباخانی گفته شده است که «به اطلاعات کرج مراجعه کنند.»

سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن محکوم کردن «تداوم سرکوب و پرونده‌سازی برای اعضای سندیکا و فعالان کارگری و بازنشسته»، از جمله «بازداشت عطا باباخانی و اذیت و آزار خانواده‌اش»، خواهان «منع تعقیب و پرونده‌سازی و آزادی بدون قید و شرط» برای این فعال کارگری شد.

همچنین، اتحادیه آزاد کارگران ایران گزارش داد که در روز دوشنبه در سنجش شماری از معلمان از جمله «رضا طهماسبی، غیاث نعمتی، مجید کریمی، بهاءالملکی، فیصل نوری، و جمیل امینی» به نهادهای امنیتی احضار شدند.

علاوه بر این، مراسمی نیز از سوی خانه کارگر در تهران به مناسبت اول ماه مه روز کارگر برگزار شد.

در این روز، بازنشستگان در کرمانشاه نیز تجمع کردند و شعار دادند: «بازنشسته مظلوم است، از حق خود محروم است»، «گرانی تورم، بلای جان مردم»، و «بازنشسته می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد».

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در کرمان نیز، بازنشستگان تامين اجتماعی در اعتراض به وضعیت معیشتی و پایین بودن میزان حقوق خود، تجمع و راهپیمایی کردند و شعار دادند: «حقوق ما ریالیه، هزینه‌ها دلاریه» و «وزیر کار و رفاه، استعفا استعفا».

همزمان، خبرگزاری ایلنا خبر داد که اعتصاب کارگران پیمانکاری لاستیک‌سازی «بزدتایر» روز دوشنبه وارد سومین روز شد.

آن‌ها در اعتراض به تداوم مشکلات خود، وضعیت بد معیشتی و دستمزدهای پایین اعتصاب کرده‌اند.

این کارگران پیش‌تر در بهمن سال گذشته اعتصاب کرده بودند که به آن‌ها قول مساعد برای رسیدگی به مشکلاتشان داده شده بود اما به گفته آنان، تاکنون اتفاقی نیفتاده است و کارفرمایان به وعده خود عمل نکرده‌اند.

نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی، طی روزهای منتهی به روز جهانی کارگر، شمار زیادی فعالان کارگری، صنفی و مدنی ایران را بازداشت کردند.

گفته می‌شود اداره اطلاعات و حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی سنجش روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت، مظفر صالح‌نیا، شریف ساعدپناه، رامین کریمی، هاجر سعیدی، کامران ساختمانگر، رضا امجدی، سوسن رازانی، حبیب‌الله کریمی، ربیوار عبداللهی و توفیق محمودی را احضار و مورد بازجویی قرار داده‌اند.

در بیانیه‌ای که ۱۵ تشکل صنفی و مدنی منتشر کرده‌اند آمده است: «روز معلم و مراسم اول ماه مه، امسال را در حالی برگزار می‌کنیم که کارگران، معلمان، زنان، دادخواهان، دانشجویان، بازنشستگان و عموم توده‌های ستمدیده مردم ایران در مصافی تاریخی و زیر و رو کننده با سیستم ضدانسانی حاکم بر کشور قرار گرفته‌اند و به‌رغم سرکوب خونینی که حکومت طی هشت ماه گذشته انجام داده است، جنبش انقلابی مردم همچنان زنده و پویاست.»

این تشکلهای مستقل تاکید کرده‌اند: «سراسر جامعه ایران در برابر جمهوری اسلامی قرار گرفته از معلم، کارگر، سینماگر، هنرمند، فعال مدنی و سیاسی، پیر و جوان.»

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، اتحاد بازنشستگان، کانون مدافعان حقوق بشر، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه، سندیکای نقاشان استان البرز، اتحادیه تشکلهای دانشجویی دانشجویان متحد، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، ندای زنان ایران و اتحادیه آزاد کارگران ایران این قطع‌نامه را امضاء کرده‌اند.

بیانیه به منشور پیشین با عنوان «مطالبات حداقلی دوازده‌گانه» بیست تشکل صنفی و مدنی اشاره کرده و نوشته است: «پرچم اعتراضات بنیادینی که امروز در ایران به دست زنان، دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان، کارگران، دادخواهان، هنرمندان، رنگین‌کمانی‌ها، نویسندگان و عموم توده‌های ستمدیده مردم ایران برافراشته شده است، اعتراضی است علیه زن‌ستیزی، ناامنی پایان‌ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار و فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، تبعیض جنسیتی و ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیرمذهبی که در طول بیش از یک قرن گذشته بر ما مردم ایران تحمیل شده است.»

این تشکلهای ضمن اعلام حمایت از اعتصاب گسترده کارگران پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی، با تاکید بر مطالبات دوازده‌گانه «منشور مطالبات حداقلی بیست تشکل صنفی و مدنی» می‌گویند: «کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان و عموم توده‌های ستمدیده مردم کشور را فرا می‌خوانیم با سازمانیابی در تشکلهای و شوراهای محیط کار و محلات، مبارزات خود را برای گذر از شرایط ضدانسانی موجود و شکل‌دهی به آینده‌ای مبتنی بر تحقق خواست‌های آزادیخواهانه و برابری‌طلبانه، متکی به اراده و اتحاد و همبستگی خود سازند.»

در مطالبات دوازده‌گانه، آن‌ها از جمله خواستار آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، آزادی عقیده، بیان و اندیشه، آزادی رسانه‌ها و احزاب سیاسی، لغو فوری هر نوع مجازات اعدام و قصاص، برابری کامل حقوق زنان با مردان، تامین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکشان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نماینده‌های منتخب تشکلهای مستقل و سراسری آنان شده‌اند.

در پایان قطع‌نامه آمده است: «از نظر ما خواست‌های حداقلی فوق با توجه به وجود ثروت‌های زیرزمینی بالقوه و بالفعل در کشور و وجود مردمی آگاه و توانمند و نسلی از جوانان و نوجوانانی که دارای انگیزه فراوان برای برخورداری از یک زندگی شاد و آزاد و مرفه هستند، به فوریت قابل تحقق و اجراست.»

کانون نویسندگان ایران نیز با انتشار بیانیه‌ای با اشاره به این‌که روز جهانی کارگر هیچ‌گاه در ایران به رسمیت شناخته نشده می‌گوید: «اینک با گذشت ۴۴ سال از استقرار جمهوری اسلامی، حاکمیت نه تنها هیچ گام مثبتی در جهت تحقق خواست‌های برحق کارگران برنداشته که به شیوه‌های مزورانه آنان را از حق تشکلیابی مستقل محروم کرده و همواره با زور و سرکوب پشتیبان حقوق کارفرمایان بوده است.»

در این بیانیه آمده که ورشکستگی کارخانه‌ها و تعطیلی بسیاری از واحدهای صنعتی و صنفی در این سال‌ها بر میزان بیکاری کارگران و انبوه مطالبات معوقه آنان افزوده‌اند. و اینک گسترش روزافزون دامنه‌ی تورم و گرانی، بسیاری از کارگران را نیز مانند بسیاری از دیگر قشرهای جامعه زیر خط فقر برده است.»

کانون نویسندگان ایران «در دفاع از آزادی اندیشه و بیان بی‌هیچ حصر و استثنا برای همگان» خواستار «آزادی بی‌قید و شرط تمامی فعالان کارگری از جمله کیوان مهتدی، عضو کانون نویسندگان ایران، و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی» شده است.

تجمع معلمان بازنشسته و فعالان حوزه فرهنگیان که در ابتدای خیابان سرپرست در پی فراخوان شورای صنفی فرهنگیان کشور مبنی بر تجمع سراسری، جمع شده بودند، اکثر آن‌ها را سالمندان تشکیل می‌دادند. آن‌ها با گذشت چند دقیقه از ساعت ده صبح، شعارهایی سر دادند.

تجمع کنندگان انتقادهایی را با شعارهایی مطرح می‌کردند از جمله: اعتراض به عدم رسیدگی به بازنشستگان، وضعیت نابه‌نجار بیمه معلمان، افزایش نیافتن حقوق فرهنگیان در مقایسه با وضع اقتصادی موجود و همچنین معلمان زندانی. «فریاد فریاد، از این همه بیداد»، «معلم زندانی آزاد باید گردد» از جمله‌ی این شعارها بود.

همچنین در پلاکاردهای معترضان نیز عبارتهایی مانند «خط فقر هفت میلیون؛ حقوق ما دو میلیون»، «کلاس‌های صحرائی و کپری جمع‌آوری باید گردد»، «کارگر و معلم زندانند؛ اختلاس‌گران آزادند» نوشته شده بود.

یکی از حاضرین در این تجمع، به خبرنگار انصاف نیوز گفت: «رسیدگی به ما که بازنشسته‌ایم انقدر کم است که من با وجود مریضی، پادرد و کمردرد باید پیام این‌جا اعتراض کنم.»

یکی دیگر از زنان حاضر نیز اینگونه گفت: «من هم زمان معلمی و هم زمان بازنشستگی‌ام آدمم برای اعتراض ولی چه فایده.»

او همچنین درباره‌ی تجمع گفت: «معلم‌های شاغل اکثراً می‌ترسند که بیایند، مثلاً خواهرزاده‌های خود من چون از طرف آموزش و پرورش ادیت می‌شوند معمولاً نمی‌آیند.»

نیروهای انتظامی از ابتدا در منطقه حضور داشتند. در این تجمع از عکاسی خبرنگاران و عابران ممانعت شد. در عین حال فردی که در حالی عکاسی بود، گوشی تلفن خبرنگار انصاف نیوز را که در حال گرفتن عکسی از تجمع بود گرفت، مانع کار او شد. دقایقی بعد تلفن همراه پس داده شد اما تحویل یکی از مدارک شناسایی او به بعد از تجمع در یکی از زیرمجموعه‌های ناجا موقوف شد.

همچنین روز نوزدهم اردیبهشت ماه سالگرد اعدام فرزاد کمانگر و یارانش: «شیرین علم هولی، فرهاد وکیلی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان» است.

فرزاد کمانگر: «من یک معلم می‌مانم و تو یک زندانبان!»

جنایت‌کاران حکومت اسلامی، این عزیزان را در سحرگاه نوزدهم اردیبهشت ماه سال هزار و سیصد و هشتاد و نه، در زندان اوین به دار آویخت و هنوز هم محل دفن آنان را اعلام نکرده‌اند.

فرزاد و یارانش نوزدهم اردیبهشت ماه را به نام خود در تاریخ ثبت کردند. در این تاریخ، فرزاد تنها یک معلم انقلابی نیست، او نماد مقاومت حتی در زیر شدیدترین شکنجه‌های شکنجه‌گران و آدم‌کشان حرفه‌ای حکومت اسلامی و مظهر انسان‌دوستی است. وی عاشق کودکان، مدافع حقوق زنان، هم‌رزم کارگران و دشمن ستم‌کاران و استثمارگران بود به همین دلیل نیز دستگیر و زندانی و شکنجه و اعدام شد.

در این روز، در بسیاری از مناطق کردستان و ایران، به یاد این عزیزان مراسم‌های باشکوه برگزار کردند. در این روز، در بسیاری از کشورها، انسان‌های آزادی‌خواه، نیروهای چپ و سوسیالیست به همراه دوستان و همکاران خارجی خود در سالن‌ها و خیابان‌های شهرشان گردهم می‌آیند و با برگزاری مراسم‌هایی یاد «فرزاد» و همه جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی می‌دارند.

هر سال در این روز، دسته‌دسته از دوستان و دوستداران فرزاد و یارانش، همکاران و هم‌فکران فرزاد، دانش‌آموزان و رهروان فرزاد، از سراسر کردستان و ایران خود را به مادر فرزاد، «دایه سلطنه» می‌رسانند تا در آغوش گیرند و عشق‌شان را به فرزاد و یاران فرزاد و به خود وی ابراز دارند.

همچنین هر سال در روز گرامی‌داشت یاد فرزاد، مادران داغ‌دیده؛ «مادران خاوران، مادران پارک لاله، مادران زندانیان جان‌باخته، مادران پیشمرگان جان‌باخته»، به دیدار دایه سلطنه می‌روند تا از نزدیک با روحیه قوی و انقلابی آشنا شوند و بستانند. بسیاری دیگر از راه‌های دور و از طریق تلفن برایش پیام درود می‌فرستند و استقامتش را می‌ستایند.

در این روز، کانون‌های صنفی معلمان کردستان و خارج کردستان، یاد فرزاد و یارانش را ارج می‌نهند. همچنین از سوی شهرداری «باغ‌لار» در استان «دیاربکر» کردستان ترکیه، دبیرستانی با ظرفیت یک هزار دانش‌آموز در حضور مردم منطقه به نام «فرزاد کمانگر» افتتاح گردیده است. بنابراین، «فرزاد کمانگر» نامی آشنا در جهان است.

فرزاد معلمی انقلابی با افکار سوسالیستی، در خدمت کودکان دورافتاده کردستان بود و برای رفع ستم ملی از مردم کرد و کل جهان هم مبارزه می‌کرد. رنج‌هایی که از زندان به بیرون می‌فرستاد و دفاعیاتش در زندان و زیر شکنجه، همه و همه روحیه انقلابی و مقاوم و باورهایش را به خوبی نشان می‌دهند. هر کس نگاهی به این نامه‌ها و نوشته‌های فرزاد ببیند با این حقیقت مواجه می‌شود که وی تعلق به همه ستم‌دیدگان و استثمارشدگان جهان بود.

فرزاد کمانگر، دبیر هنرستان کار و دانش شهرستان کامیاران، عضو انجمن صنفی فرهنگیان و انجمن زیست‌محیطی «ئاسک» بود و با نام مستعار سیامند در ماهنامه فرهنگی آموزشی رویان قلم می‌زد. وی هم‌زمان گزارشگر افتخاری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران و فعال حقوق زنان بود.

فرزاد در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۶ در سفری به تهران برای پیگیری مسئله درمان بیماری برادرش توسط نیروهای امنیتی ایران بازداشت شد و ماه‌ها تحت شدیدترین شکنجه‌های بازجویان وزارت اطلاعات بود.

فرزاد به دلیل فعالیت‌های انسانی و فرهنگی مورد نفرت حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی قرار داشت و به اتهاماتی از قبیل عضویت در حزب حیات آزادی (پژاک) در سال ۲۰۰۷، به اعدام محکوم شد.

فرزاد، حتی در زندان نیز دست از مبارزه بر حق و علانه خود نکشید و با ارسال نامه‌هایی از اسارت‌گاه‌هایش به خارج، هم بر باورهای فرهنگی سیاسی، و انسانی خود پافشاری کرد و هم ماهیت تبه‌کارانه حکومت اسلامی و بی‌دادگاه‌های آن را به اطلاع افکار عمومی جامعه ایران و جهان رساند. مجموعه نامه‌های منتشر شده فرزاد در رسانه‌های مختلف، عبارتند از:

نامه فرزاد کمانگر، معلم محکوم به اعدام، به دانش‌آموزانش، اسفند ۱۳۸۶؛ به ققنوس‌های دیار ما، اسفند ۱۳۸۶؛ بنویسد درد و رنج، بخوانید زندگی، اردیبهشت ۱۳۸۷؛ بندی بند ۲۰۹، تیر ۱۳۸۷؛ من یک معلم می‌مانم و تو یک زندانبان، دی ۱۳۸۷؛ از تو نوشتن قدغن، بهمن ۱۳۸۷؛ نسل سوخته، اردیبهشت ۱۳۸۸؛ در سوگ احسان فتاحیان، آبان ۱۳۸۸؛ دومین نامه فرزاد کمانگر پس از اعدام احسان فتاحیان، آبان ۱۳۸۸؛ دیگر تنها کفش‌هایم مرا به این خاک پیوند نمی‌دهد، آذر ۱۳۸۸؛ «روژگار یکی سیره گلم»، دی ۱۳۸۷؛ رشته‌هایی که دوشنبه‌ها می‌خندند، اسفند ۱۳۸۸؛ ما هم مردمانیم...، فروردین ۱۳۸۹؛ قوی باش رفیق - نامه خطاب به به معلمان دربند، اردیبهشت ۱۳۸۹؛ پاییز در چشمان میدیا، آخرین نامه فرزاد کمانگر، اردیبهشت ۱۳۸۹ و...

فرزاد یک انقلابی مبارز بود و در راه تفکر انقلابی و انترناسیونالیستی‌اش جان باخت. وی از نوع معلمانی چون «صمد بهرنگی، بهمن عزتی، خسرو رشیدیان و...» و معلمان دیگری نظیر آنان بود. فرزاد متعلق به انسان‌های آزادی‌خواه، عدالت‌جو، برابری‌طلب و همه رنج‌دیدگان ایران و جهان است. از این‌رو، باید در هر گوشه‌ای از ایران و حتی جهان هر مبارزه‌رهایی‌بخش و مقاومت مردمی شکل بگیرد و هر مبارزه‌ای راه بیفتد، عکس و نام فرزاد به‌عنوان مظهر مقاومت و مبارزه بالا برود.

محبوبیت فرزند چنان در جامعه ایران رسوخ کرده که هر کسی می‌خواهد به گونه‌ای یاد او را گرامی بدارد. طبیعی است که در فردای سرنگونی کلیت حکومت اسلامی با قدرت و همبستگی و مبارزه کارگران، محرومان و ستمدیدگان، استشارشدگان و همه نیروهای انقلابی و مساوات‌طلب، نام فرزند هم باید بر تابلوی میدان‌ها، کوچه‌ها، خیابان‌ها، مدارس و... حک گردد.

«مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران» به‌مناسبت روز جهانی کارگر، گزارش سالانه‌اش درمورد وضعیت حقوق بشر کارگران در ایران را منتشر کرد. این گزارش به بررسی دو هزار و ۳۱۴ گزارش کارگری منتشر شده در ۱۲ ماه اخیر (۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ تا ۷ اردیبهشت ۱۴۰۲)، پرداخته است که بر این اساس، دستکم سه هزار و ۵۷۶ کارگر در پی حوادث کار کشته یا زخمی شده‌اند.

بر اساس این گزارش، دستکم ۵۱۰ نفر از کارگران در همین مدت در طی حوادث کار، جان خود را از دست داده‌اند. مسئولان و نهادهای مرتبط طی هشت گزارش رسمی از جان‌باختن ۲۵۰ کارگر خبر دادند، نهادهای مستقل نیز تعداد ۲۶۰ مورد جان‌باختن کارگران که در اظهارنظر مسئولان به آن اشاره نشده بود را جمع‌آوری و اطلاع‌رسانی کردند. سازمان پزشکی قانونی کشور پیش از این اعلام کرده بود که ۱۵ هزار و ۹۹۷ نفر در سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶، در حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست دادند که ۱۵ هزار و ۷۶۷ نفر از این افراد مرد و ۲۳۰ نفر زن بودند. بر این اساس، به‌طور متوسط در ۱۰ سال گذشته سالانه ۱۶۰۰ نفر بر اثر حوادث کار، جان خود را از دست داده‌اند. بر اساس گزارش هرانا، دستکم ۱۴ هزار و ۲۳۲ کارگر بیش از ۷۱۲ ماه معوقات مزدی دارند. بر اساس این گزارش، ۸۰ درصد معوقات مزدی به سازمان‌های دولتی، ۱۴ درصد به سازمان‌های خصوصی، ۴ درصد به صنعت انرژی و ۲ درصد به بخش‌های نامعلوم مربوط است.

در یک سال اخیر جمعا هزار و ۶۱۶ گزارش از اعتصاب یا تجمع کارگری و صنفی در رسانه‌ها منتشر شده است که نسبت به دوره مشابه قبل، کاهش آماری داشته است. برآورد می‌شود کاهش تجمعات کارگری متأثر از فضای ملتهب ایران، ناشی از خیزش سراسری مردم در شش ماه پایانی سال ۱۴۰۱ باشد. شهرهای مختلف ایران در شش ماه پایانی سال گذشته درگیر اعتراضات سراسری علیه جمهوری اسلامی بوده است و مردم ایران یکی از گسترده‌ترین و طولانی‌ترین اعتراضات سال‌های اخیر را رقم زده‌اند.

طیف وسیعی از کارگران به‌دلیل دریافت نکردن حقوق ماهیانه و بی‌توجهی به مطالبات بیمه‌ای خود، به خیابان‌ها رفته‌اند و برخی از این کارگران به علت پرداخت نشدن گاه تا ۳۰ ماه از حقوق‌شان، دست به اعتصاب و اعتراض زده‌اند. در دوره یک‌ساله اخیر ۱۱۳ اعتصاب کارگری و ۳۹۵ اعتصاب صنفی نیز برگزار شده است.

در پی این اعتراضات، فشارهای امنیتی بر روی فعالان کارگری نیز مانند گذشته ادامه یافته است. کارگران و فعالان صنفی علاوه بر مبارزه با دولت و کارفرمایان برای تحقق خواسته‌هایشان، با نیروهای امنیتی، احضار، بازداشت و احکام طولانی‌مدت نیز دست‌وپنجه نرم می‌کردند. طی ۱۲ ماه گذشته دستکم ۴۹ کارگر و فعال کارگری بازداشت شده‌اند. از مهم‌ترین این بازداشت‌ها می‌توان به بازداشت ۱۲ تن از رانندگان اعتصابی سندیکای کارگران شرکت واحد، ۱۶ تن از کارگران معترض در مجتمع سونگون ورزقان و هفت تن از کارگران معترض کارخانه سیمان کارون اشاره کرد.

رضا شهابی، حسن سعیدی، کیوان مهدی، نسرين جوادی، آرش جوهری، یدی بهاری و مهران رئوف، از برجسته‌ترین فعالان کارگری‌اند که همراه فعالان صنفی از جمله محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، رسول بدایق، اسماعیل عبدی، لطیف روزی‌خواه و محمدرضا رمضان‌زاده در زندان به سر می‌برند.

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی، همچنین شامگاه روز جمعه، با حمله به منزل محمد حبیبی، سخنگوی بازداشت‌شده کانون صنفی معلمان، گروهی از فعالان کارگری و معلمانی که به دیدار همسر محمد حبیبی آمده بودند را بازداشت کردند.

سروناز احمدی، آنیسا اسداللهی، کامیار فکور، هیراد پیربداغی، ژاله روحزاد، سارا سیاهپور، عسل محمدی، ریحانه انصاری‌نژاد، الدوز هاشمی و حسن ابراهیمی، ۱۰ فعال صنفی کارگری و فرهنگی‌اند که به دست نیروهای امنیتی بازداشت شده و به زندان اوین منتقل شده‌اند. خدیجه پاک‌ضمیر، همسر محمد حبیبی به همراه لیلا حسین‌زاده نیز جزو بازداشتی‌های عصر جمعه بوده‌اند که پس از گذشت چند ساعت آزاد شدند.

در ادامه فشارهای قضایی و امنیتی بر روی فعالان کارگری، می‌توان به محکومیت ۴۲ فعال کارگری و کارگر به ۱۶۲ ماه حبس تعزیری و ۱۲۹ ماه حبس تعلیقی، ۵۱۰ ضربه شلاق و ۵۱ میلیون جریمه نقدی، شش مورد خودسوزی، ۲۴ مورد خودکشی، احضار ۲۱ نفر به مراجع قضایی و امنیتی، ۱۸۳۸ مورد اخراج و تعدیل، ۴۲۲۸ مورد بیکاری، یک میلیون و ۲۰۳ هزار و ۷۰۹ مورد نبود بیمه کار برای کارگران و ۲۷۸۳ مورد بلاتکلیف در یک سال اخیر اشاره کرد. علاوه بر گروه‌های کارگری، در رسته اتحادیه‌ها و اصناف نیز جمعا ۱۶۲ بازداشت فعالان صنفی، ۸۶۳ ماه حبس برای ۳۴ تن از فعالان صنفی، ۶۵ مورد احضار به مراجع قضایی-امنیتی و ۱۴۳۵ مورد پلمب اماکن گزارش شده است.

معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته در شهرها و استان‌های مختلف کشور در سال گذشته در اعتراض به رسیدگی نکردن به مطالباتشان، به برگزاری تجمع‌های اعتراضی و اعتصابات اقدام کردند. در این سال ۱۵۱ تجمع و ۲۰ اعتصاب به ثبت رسیده است، همچنین ۱۴۸ مورد بازداشت، ۵۵ مورد احضار و ۳۸ مورد محاکمه در مراجع قضایی و امنیتی و ۱۱ مورد ضرب‌وشتم معلمان نیز گزارش شده است و ۳۴ تن از معلمان و فعالان این حوزه، به ۸۶۳ ماه حبس و ۴۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شدند.

این در حالی است که در روزهای اخیر یکی از بزرگترین اعتصاب‌های سراسری کارگران در حال وقوع است. تاکنون کارگران بیش از ۱۰۰ شرکت و کارگاه در این اعتصاب‌ها شرکت کرده‌اند. کارگران بیمانی صنایع نفت، پتروشیمی، فولاد و مس، به مصوبه افزایش ۲۷ درصدی حقوق کارگران اعتراض دارند و می‌گویند با توجه به نرخ تورم و گرانی‌های فزاینده، دستمزدهای آنان نیز باید تا ۷۹ درصد افزایش یابد. کارگران معترض معتقدند حقوق فعلی با مبلغ سبد معیشت یک خانواده در ایران فاصله بسیاری دارد و با توجه به تورم روزافزون، شرایط هر روز سخت‌تر هم می‌شود. بر خورداری از ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت در ماه، بیمه، بهبود وضعیت ایاب‌وذهاب، غذا، بهداشت و خوابگاه‌ها، از دیگر خواسته‌های کارگران عنوان شده است. تا به امروز کارگران در بیش از ۱۰۰ کارگاه و شرکت به این اعتصاب‌ها پیوسته‌اند.

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که روز معلم و مراسم اول ماه مه امسال را در حالی برگزار می‌کنیم که کارگران، معلمان، زنان، دادخواهان، ملت‌های تحت ستم، دانشجویان، بازنشستگان و عموم توده‌های ستمدیده مردم ایران در مصافی تاریخی و زیر و رو کننده با سیستم ضد انسانی حاکم بر کشور قرار گرفته‌اند و با وجود سرکوب خونینی که حکومت طی هشت ماه گذشته انجام داده است جنبش انقلابی مردم ایران، همچنان زنده و پویاست و روزی نیست که مردم به‌عجان آمده در هر سو از جغرافیای سیاسی ایران با هر زبانی در خیابان و محل کار و زندگی حکومت را آماج اعتراضات تحول‌خواهانه خود قرار ندهند. حکومتی که در مدارس دختران جوان و نوجوان را هدف حملات شیمیایی قرار می‌دهد و زنان را به مثابه ستون اصلی یک جامعه انسانی علاوه بر محروم کردن از پایه‌ای‌ترین حقوق انسانی‌شان

در خیابان مورد وحشیانه‌ترین حملات جسمی و روحی قرار می‌دهد، فساد و غارتگری بخش مهمی از موجودیت آن است، حتی به مدت کوتاهی هم قادر به مهار تورم و گرانی نیست و یک جامعه بیش از ۸۵ میلیونی را آن‌هم در کشوری ثروتمند غرق در فقر و فلاکت کرده است. معلم، کارگر، دانشجو، دانش‌آموز، وکیل دادگستری، پزشک، پرستار، فعال محیط زیست، آزادی زبان‌های مادری، هنرمند، فعال مدنی و سیاسی، پیر و جوان و همه اقشار جامعه در مقابلش قرار دارند چنین حکومتی نه قادر به بقاست و نه شایسته حاکمیت. این حکومت دشمن درجه یک بشریت و زیست و زندگی آرام و انسانی شهروندان است.

اساساً انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی برای شکل‌دادن و تغییر عمیق در باورها و ارزش‌های جامعه و ایجاد رفتارهای نو به زمان بیشتری نیاز دارند. به همین علت هم این جنبش با چالش‌های جدی روبه‌روست؛ چه سرکوب از سوی حکومت چه‌کُش و چه مقاومت از سوی نیروهای محافظه‌کار و عقب‌مانده جامعه ایران.

با وجود همه این چالش‌ها، انقلاب «زن، زندگی، آزادی» همین حالا هم دستاوردهای بسیار مهمی داشته است. این روزها زنان در ایران توانسته‌اند آزادی و فرصت‌های بیشتری نسبت به قبل از این انقلاب به‌دست آورند و حضور آن‌ها در عرصه علنی جامعه ایران هم بسیار نمایان‌تر شده است. این جنبش توانسته آگاهی را نسبت به ضرورت عدالت اجتماعی و برابری جنسیتی بالا برده و بسیاری از مردان را نیز تنها به مشارکت برای احیای حقوق زنان، بلکه رهبری آن‌ها تشویق کند.

بر همین اساس، اگرچه انقلاب مهسا برای رسیدن به اهداف خود در مقایسه با یک انقلاب سیاسی به زمان بیشتری نیاز دارد، اما اثرات اجتماعی آن عمیق‌تر و میراث آن پایدارتر خواهد بود به‌طوری که نسل‌های آینده هم از دستاوردهای آن برخوردار خواهند شد.

دوشنبه هجدهم اردیبهشت - نور - ۱۴۰۲ - هشتم می ۲۰۲۳

ضمایم:

*تجمع سراسری معلمان ایران

زمان:

سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

ساعت ۱۰ تا ۱۲

مکان:

تهران: مقابل مجلس

مراکز استان: مقابل ادارات کل آموزش و پرورش

شهرستان‌ها: مقابل ادارات آموزش و پرورش

شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران

*انجمن صنفی معلمان فارس: می‌آیم چون می‌دانم تو هم می‌آیی...

من شکوفه‌های خویش را در تمام فصول دیده‌ام.

اما این بار اردیبهشت به بار می‌نشینم.

آن هم نوزدهم،

و میعادگاه عاشقان آگاه، شجاع و مطالبه‌گر

جایی نیست

جز خیابان معدل.

پس می‌آیم که به بار بنشینم و میوه دهم، زیرا این آمدن به من امید می‌دهد.

شکوفه‌هایم به بار نخواهد نشست مگر به هنگام حضور،

پس می‌آیم.

می‌آیم تا باز بیافرینم از وجودم حماسه را.

می‌آیم تا بیافرینم شهامت را

و می‌آیم با شهامت تا شجاعت را به بی‌باکی بدل کنم.

می‌آیم تا بیکران تا اوج تا هستی.

می‌آیم تا عشق را هجی کنم،

و هنر معلم بودن را به اثبات برسانم

و شجاعت را به جامعه تزریق کنم.

می‌آیم تا فریادم را به کهکشان برسانم،

چون گوش فلک کر نیست.

می‌آیم چون تو می‌آیی

می‌آیم به امید با تو بودن و یکی شدن.

می‌آیم تا فریادم با فریادت یکی شود و رساتر.

می‌آیم تا خود را در تو ببینم.

می‌آیم چون می‌دانم تو هم می‌آیی

وعده دیدار مان: سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه، خیابان معدل

***حمایت تشکل های دانشجویی از تجمع ۱۹ اردیبهشت معلمان**

تشکل های دانشجویی زیر از تجمع سراسری ۱۹ اردیبهشت حمایت کرده اند:

تشکل دانشجویان پیشرو

نهاد آزاداندیشان جندی‌شاپور

نهاد آزادی‌خواهان دانشگاه تهران شمال

نهاد اتحاد دانشجویان دانشگاه الزهرا

جمعیت دانشجویان آزاد (دانشگاه آزاد سنندج)

نهاد اتحاد دانشگاه صنعتی اصفهان

دانشجویان آزاد خوراسگان (دانشگاه آزاد اصفهان)

جمعی از دانشجویان و فعالین:

دانشگاه اصفهان

*قطعنامه تشکلهای بهمناسبت روز کارگر و روز معلم

قطعنامه تشکلهای صنفی و مدنی مستقل ایران بهمناسبت روز معلم و اول ماه مه روز جهانی کارگر روز معلم و مراسم اول ماه مه امسال را در حالی برگزار می‌کنیم که کارگران، معلمان، زنان، دادخواهان، ملت‌های تحت ستم، دانشجویان، بازنشستگان و عموم توده‌های ستمدیده مردم ایران در مصافی تاریخی و زیر و رو کننده با سیستم ضد انسانی حاکم بر کشور قرار گرفته‌اند و بهرغم سرکوب خونینی که حکومت طی هشت ماه گذشته انجام داده است جنبش انقلابی مردم ایران همچنان زنده و پویاست و روزی نیست که مردم به جان آمده در هر سو از جغرافیای سیاسی ایران با هر زبانی در خیابان و محل کار و زندگی حکومت را آماج اعتراضات تحول خواهانه خود قرار ندهند. حکومتی که در مدارس دختران جوان و نوجوان را هدف حملات شیمیایی قرار می‌دهد و زنان را به‌مثابه ستون اصلی یک جامعه انسانی علاوه بر محروم کردن از پایه‌ای‌ترین حقوق انسانی شان در خیابان مورد ددمنشانه‌ترین حملات جسمی و روحی قرار می‌دهد، فساد و غارتگری بخش مهمی از موجودیت آن است، حتی به مدت یک هفته قادر به مهار تورم و گرانی نیست و یک جامعه نود میلیونی را در کشوری ثروتمند غرق در فقر و فلاکت کرده است و معلم، کارگر، سینماگر، هنرمند، فعال مدنی و سیاسی، پیر و جوان و همه پیکره جامعه در مقابلش قرار دارند نه شایسته بقاست و نه قادر به ادامه حیات است.

دیگر بر هر ناظر روشن‌بینی پر واضح است که در پی نزدیک به هشت ماه خیزش سراسری مردم ایران، اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور به روال سابق باز نخواهد گشت و جنبش انقلابی مردم ایران به پیشروی خود تا ایجاد تغییرات بنیادین در کشور ادامه خواهد داد.

بر متن این شرایط عینی و بشدت متلاطم و متحولی است که مدت‌هاست جناح‌های مختلف طبقه حاکم بر ایران چه در پوزسیون و چه در اپوزسیون سراسیمه‌تر از هر دوره تاریخی دیگری دست به‌کار بند و بست با قدرت‌های جهانی و رقم زدن تحولات سیاسی از بالای سر مردم ایران شده‌اند تا همچنان به سبک و سیاق گذشته، این‌بار نیز آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی مردم ایران را قربانی مطامع ضد انسانی خود و غارتگران و جنایت‌کاران بین‌المللی کنند.

اما آن پدیده‌ای که امروز در صحنه تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران جاری است، جنین رشد یافته انقلابی را در خود دارد که می‌تواند سرآغاز یک انقلاب بزرگ اجتماعی در ایران و منطقه خاورمیانه باشد و تاریخی نوین را در این منطقه مهم و استراتژیک از جهان کنونی رقم بزند.

به‌همین دلیل هم است که ما در منشور مطالبات حداقلی بیست تشکل صنفی و مدنی با تاکید به عینیت تأثیرگذاری عمیق جنبش‌های اجتماعی بر تحولات جاری و آتی کشور، وجوه سلبی و اثباتی اعتراضات بنیادین مردم ایران را در پی اعتراضات سراسری به قتل جنایت‌کارانه #ژینا_امینی در جای جای این منشور بر شمرده و اعلام کرده‌ایم که پرچم اعتراضات بنیادینی که امروز در ایران به‌دست زنان، دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان، کارگران، دادخواهان، هنرمندان، رنگین‌کمانی‌ها، نویسندگان و عموم توده‌های ستمدیده مردم ایران بر افراشته شده است اعتراضی است علیه زن‌ستیزی، ناامنی پایان‌ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار و فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، تبعیض جنسیتی و ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیر مذهبی که در طول بیش از یک قرن گذشته بر ما مردم ایران تحمیل شده است.

اگر چه منشور مطالبات حداقلی بیست تشکل صنفی و مدنی در میانه‌ی خیزش سراسری #زن_زندگی_آزادی و از متن و دل جامعه سر بر آورده است و قطب‌نمای مبارزات همین امروز ما برای شکل دهی به ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آینده ایران است با این حال با توجه به کل شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی و سیاسی حاکم بر کشور، ما بر این باوریم که طبقه کارگر ایران با قرار گرفتن در مرکز ثقل تحولات سیاسی آتی، قادر خواهد شد افق رهایی‌بخش و تاریخی خود را به‌طور حداکثری به پیش برد.

ما با حمایت از اعتصاب گسترده کارگران پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی، بار دیگر و به مناسبت #روز_معلم و #روز_جهانی_کارگر، با قرار دادن مطالبات دوازده‌گانه‌ی منشور مطالبات حداقلی بیست تشکل صنفی و مدنی، به‌مثابه خواست‌های حداقلی خود در این قطع‌نامه، کارگران و معلمان، زنان، دانشجویان و عموم توده‌های ستمدیده مردم ایران را فرا می‌خوانیم با سازمان‌یابی در تشکلهای و شوراهای محیط کار و محلات، مبارزات خود را برای گذر از شرایط ضدانسانی موجود و شکل‌دهی به آینده‌ای مبتنی بر تحقق خواست‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه، متکی به اراده و اتحاد و همبستگی خود سازند.

۱. آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، منع جرم‌انگاری فعالیت سیاسی و صنفی و مدنی و محاکمه علنی آمرین و عاملین سرکوب اعتراضات مردمی.

۲. آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، تحزب، تشکلهای محلی و سراسری صنفی و مردمی، اجتماعات، اعتصاب، راهپیمایی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های صوتی و تصویری.

۳. لغو فوری صدور و اجرای هر نوع مجازات مرگ، اعدام، قصاص و ممنوعیت هر قسم شکنجه روحی و جسمی.

۴. اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، امحا و لغو بی‌قید و شرط قوانین و فرم‌های تبعیض‌آمیز علیه تعلقات و هویت‌های جنسی و جنسیتی، به‌رسمیت شناختن جامعه رنگین‌کمانی «ال‌جی‌بی‌تی‌کیو‌ای‌ای‌پلاس»، جرم‌زدایی از همه تعلقات و گرایش‌های جنسیتی و پایبندی بدون قید و شرط به تمامی حقوق زنان بر بدن و سرنوشت خود و جلوگیری از اعمال کنترل مردسالارانه.

۵. مذهب امر خصوصی افراد است و نباید در مقدرات و قوانین سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور دخالت و حضور داشته باشد.

۶. تامین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمت‌کشان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نماینده‌های منتخب تشکلهای مستقل و سراسری آنان.

۷. امحا قوانین و هرگونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و مذهبی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب حمایتی و توزیع عادلانه و برابر امکانات دولتی برای رشد فرهنگ و هنر در همه مناطق کشور و فراهم کردن تسهیلات لازم و برابر برای یادگیری و آموزش همه زبان‌های رایج در جامعه.

۸. بر چیده شدن ارگانهای سرکوب، محدود کردن اختیارات دولت و دخالت مستقیم و دائمی مردم در اداره امور کشور از طریق شوراهای محلی و سراسری. عزل هر مقام دولتی و غیر دولتی توسط انتخاب‌کنندگان در هر زمانی باید جزو حقوق بنیادین انتخاب‌کنندگان باشد.

۹. مصادره اموال همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی و خصوصی که با غارت مستقیم و یا رانت حکومتی، اموال و ثروت‌های اجتماعی مردم ایران را به یغما برده‌اند. ثروت حاصل از این مصادره‌ها، باید به فوریت صرف مدرن‌سازی و بازسازی آموزش و پرورش، صندوق‌های بازنشستگی، محیط زیست و نیازهای مناطق و

اقتشاری از مردم ایران شود که در دو حکومت جمهوری اسلامی و رژیم سلطنتی محروم و از امکانات کمتری برخوردار بوده‌اند.

۱۰. پایان دادن به تخریب‌های زیست محیطی، اجرای سیاستهای بنیادین برای احیای زیرساخت‌های زیست محیطی که در طول یکصد سال گذشته تخریب شده‌اند و مشاع و عمومی کردن آن بخش‌هایی از طبیعت (همچون مراتع، سواحل، جنگل‌ها و کوهپایه‌ها) که در قالب خصوصی سازی حق عمومی مردم نسبت به آن‌ها سلب شده است.

۱۱. ممنوعیت کار کودکان و تامین زندگی و آموزش آنان جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده. ایجاد رفاه همگانی از طریق بیمه بیکاری و تامین اجتماعی قدرتمند برای همه افراد دارای سن قانونی آماده به‌کار و یا فاقد توانایی کار. رایگان‌سازی آموزش و پرورش و بهداشت و درمان برای همه مردم.

۱۲. عادی‌سازی روابط خارجی در بالاترین سطوح با همه کشورهای جهان بر مبنای روابطی عادلانه و احترام متقابل، ممنوعیت دستیابی به سلاح اتمی و تلاش برای صلح جهانی.

از نظر ما مطالبات حداقلی فوق با توجه به وجود ثروت‌های زیر زمینی بالقوه و بالفعل در کشور و وجود مردمی آگاه و توانمند و نسلی از جوانان و نوجوانانی که دارای انگیزه فراوان برای برخورداری از یک زندگی شاد و آزاد و مرفه هستند، به فوریت قابل تحقق و اجراست.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

اتحاد بازنشستگان

شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد ایران (اهواز)

شورای کارگری بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی (بستا)

سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه

ندای زنان ایران

شورای بازنشستگان ایران

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

کانون مدافعان حقوق کارگر

سندیکای نقاشان استان البرز

اتحادیه آزاد کارگران ایران

***پیام اتحاد بازنشستگان به کارگران اعتصابی صنعت نفت و پتروشیمی**

به برادران‌مان، به کارگران پیمانی نفت

می‌نویسیم تا همبستگی خود را با کارگران پیمانی نفت نشان دهیم؛

انسانی‌ترین رفتار بشر، ایستادن در بزرگراه‌های زندگی و تامل بر زیست خویش است، این همان لحظه گسست از زندگی روزمره و از خود بیگانگی است، همان لحظه ناب زیستن اندیشمندانه و متأملانه.

در لحظه‌ای که نواله ناگزیر را گردن نمی‌نهی و این زندگی را شایسته نمی‌یابی. شما با دست کشیدن از کار و اعتصاب با صدای بلند اعلام کرده‌اید که «نمی‌خواهید؛ این نوع زندگی را نمی‌خواهید، زیرا که ناشایست و غیرانسانی است.»

در چند روز گذشته ما شاهد خیزشی باور نکردنی در میان کارگران پیمانی صنعت نفت بوده‌ایم، نیک می‌دانیم که در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی و ناامنی شغلی چنین اعتصاب گسترده و هماهنگی، مستلزم نیرو و سازمان‌دهی جدی و پیگیرانه است؛ ما از مطالبات شما که خود را مستحق زندگی عادلانه‌تری می‌دانید، پشتیبانی می‌کنیم. می‌دانیم که اعتصاب نیاز به تفکر انتقادی دارد و در لحظه اعتصاب است که روابط کار و کارگر بدون نقاب در برابر چشم همگان قرار می‌گیرد.

کارفرما چه دولت باشد چه بخش خصوصی از ابزارهای زیادی برای محق نشان خود بهره‌مند است اما کارگر به جز نیروی کار خود و اراده‌اش برای پایان دادن به زندگی غیرانسانی، ابزاری ندارد. کارگر باید زخم‌های زندگی‌اش را عیان کند تا پوشش دروغین وضعیت نرمال و عادی را کنار بزند.

ما همه در حال مبارزه با نابرابری عظیم درآمدی، دستمزدهای پایین، مراقبت‌های بهداشتی ناکافی هستیم و امیدواریم در مبارزه با این نابرابری ها، جهان دیگری بسازیم.

رزم‌تان پاینده و پیروز، برادران!

اتحاد بازنشستگان

***قطع‌نامه مشترک انجمن‌های کارگران و استادکاران ساختمانی استان کردستان**

یازده اردیبهشت، روز جهانی کارگر روز اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران در سرتاسر دنیا را در شرایطی گرامی می‌داریم که فاصله طبقاتی و شکاف میان سرمایه‌داران و کارگران به بالاترین حد خود رسیده است.

فاصله میان دستمزدها و هزینه‌های زندگی نفس کارگران را گرفته، سرمایه‌داران تنها به فکر افزایش سود خودشان هستند و توجه‌ای به وضعیت اسفناک کارگران ندارند.

کارگران ساختمان بنا به شرایط ویژه و دلایل متعدد، آسیب‌پذیرتر از بخش‌های دیگر طبقه کارگر هستند. پیمان‌کاران خصوصی و سرمایه‌دارانی که مشغول ساخت و ساز هستند، شرایط دشواری را برای کارگران ساختمانی فراهم کرده‌اند. نبود ایمنی و بهداشت در محیط‌های کار، نبود امنیت شغلی، پایین بودن سطح دستمزد، تورم و بسیاری دلایل دیگر ما کارگران ساختمانی را آسیب‌پذیر کرده است.

در این راستا ما کارگران ساختمانی ضمن گرامی‌داشت روز جهانی کارگر مطالبات خود را به شرح زیر اعلام می‌کنیم:

۱- تعیین حداقل دستمزد ناچیز از سوی “شورای عالی کار” به منزله تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به کارگران و خانواده های آنان می باشد.

۲- سهمیه‌بندی بیمه کارگران ساختمانی برخلاف ماده ۵ تامین اجتماعی هنوز وجود دارد و ما کارگران ساختمانی خواهان لغو سهمیه بیمه هستیم و همه کارگران ساختمانی باید از بیمه تامین اجتماعی برخوردار باشند.

۳- کارفرمایان موظف هستند امنیت و بهداشت محیط‌های کاری را فراهم کنند.

۴- تامین امنیت شغلی برای کارگران شاغل در کارگاه‌های ساختمانی، از طریق قراردادهای قانونی و پرداخت بیمه بیکاری در ایام رکود شغلی و بیکاری.

۵- پرداخت هزینه‌های درمانی و دستمزد ایام بیماری به کارگران آسیب دیده از حوادث شغلی

- ۶- لحاظ کردن مشاغل مختلف در بخش ساختمان در زمره کارهای سخت و زیان‌آور و اعمال شرایط بازنشستگی کارگران ساختمانی براساس این طبقه‌بندی
- ۷- ما کارگران خواهان آموزش با کیفیت و یکسان رایگان برای کارگران و تمامی مردم هستیم.
- ۸- قراردادهای موقت و سفیدامضا و شرکت های پیمانکاری برای استثمار بیشتر کارگران هستند ما خواهان برچیده شدن قراردادهای موقت و سفید امضا هستیم.
- امضا کنندگان:

- ۱- کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان
- ۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران
- ۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان و سروآباد
- ۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی دیواندره
- ۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی قروه
- ۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی سقز
- ۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی سنندج
- ۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه

***بیانیه کانون نویسندگان ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر**

سال ۱۸۸۶، روز اول ماه مه، صدها هزار کارگر جان به لب رسیده در ده‌ها شهر آمریکا در اعتراض به وضعیت فلاکت‌بار زندگی خود به خیابان‌ها آمدند و خواهان بهبود شرایط کار و کاهش زمان کار روزانه به ۸ ساعت شدند. در شیکاگو، پلیس با یورش به کارگران معترض تجمع آنان را به خاک‌خون کشید؛ ده‌ها تن کشته، هزاران تن زخمی و زندانی و شماری از آن‌ها به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. این برخورد خشونت‌بار با کارگران معترض همدلی و حمایت کارگران دیگر کشورها را به همراه داشت و برگزاری مراسم یادبود آن در سال‌های پیاپی سرانجام صاحبان قدرت و سرمایه را به تسلیم در برابر این خواسته برحق کارگران واداشت، و این روز در جهان به نام روز کارگر شناخته شد.

اکنون بیش از یک سده است که کارگران سراسر جهان در اول ماه مه، برای یک روز هم که شده، دست از کار می‌کشند و به خیابان‌ها می‌آیند یا در مراکز کارگری جمع می‌شوند و، ضمن جشن و پای‌کوبی، از خواسته‌های خود برای برخورداری از کرامت انسانی و زندگی بهتر دفاع می‌کنند، به‌ویژه در روزگاری که حامیان سرمایه و غارتگران نیروی کار کمر به پایمال کردن حقوق آنان بسته‌اند.

در ایران روز جهانی کارگر هیچ‌گاه به رسمیت شناخته نشده است. با این همه، کارگران هر سال روز اول ماه مه (برابر با ۱۱ اردیبهشت) را به شیوه‌های گوناگون گرامی داشته‌اند تا از مطالبات برحق خود سخن بگویند. اینک با گذشت ۴۴ سال از استقرار جمهوری اسلامی، حاکمیت نه تنها هیچ گام مثبتی در جهت تحقق خواسته‌های برحق کارگران برنداشته که به شیوه‌های مزورانه آنان را از حق تشکلیابی مستقل محروم کرده و همواره با زور و سرکوب پشتیبان حقوق کارفرمایان بوده است. ورشکستگی کارخانه‌ها و تعطیلی بسیاری از واحدهای صنعتی و صنفی در این سال‌ها بر میزان بیکاری کارگران و انبوه مطالبات معوقه‌ی آنان افزوده‌اند. و اینک گسترش روزافزون دامن‌هی تورم و گرانی بسیاری از کارگران را نیز مانند بسیاری از دیگر قشرهای جامعه زیر خط فقر برده است. در این میان، حاکمیت با تشدید سانسور

راه را بر بیان مشکلات کارگران بسته است، هرگونه اعتصاب و تجمع اعتراضی آنان را «جرم‌انگاری» می‌کند و با فعالان کارگری به زبان تهدید و شکنجه و زندان سخن می‌گوید.

کانون نویسندگان ایران در دفاع از آزادی اندیشه و بیان بی‌هیچ حصر و استثنا برای همگان، با گرمی‌داشتن روز جهانی کارگر خواهان آزادی بی‌قیدوشرط همه فعالان کارگری از جمله کیوان مهتدی، عضو کانون نویسندگان ایران، و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

کانون نویسندگان ایران

یکشنبه ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

***انتشار «منشور آزادی، رفاه، برابری» در آستانه روز جهانی کارگر**

جمعی از فعالان کارگری سرشناس همراه با شماری از نویسندگان، فعالان حقوق زنان، فعالان مدنی همراه با زندانیان سیاسی پیشین در آستانه روز جهانی کارگر با انتشار «منشور آزادی، رفاه، برابری»، با طرح بیست خواسته اساسی خود بر لزوم شکل‌گیری حکومتی بر مبنای «جدایی کامل دین از حکومت»، «آزادی‌هایی بی‌حصر و استثنای سیاسی»، «برابری حقوق زن و مرد»، «به رسمیت شناختن حق انتخاب هویت و گرایش جنسی»، «لغو اعدام» و «لغو هرگونه ستم بر اساس تعلق‌های ملی، قومی، نژادی، و مذهبی» تاکید کردند.

در بخش دیگری از این منشور آمده: «ما امضاءکنندگان زیر بر این باوریم که جامعه ایران در شرایط خطر و سرنوشت‌ساز کنونی به منشوری نیاز دارد که همچون پرچمی جنبش کارگری را حول آزادی، رفاه، و برابری متحد کند. این منشور، در عین همسویی با جنبه‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه جنبش «زن، زندگی، آزادی»، با تثبیت، تحکیم، و تضمین این جنبه‌ها و نیز ارتقای سطح رفاه کل جامعه و بدین‌سان افزایش توان مادی، فکری، و فرهنگی کارگران از محل ثروت تولیدشده در جامعه (تولید ناخالص ملی) راه را برای مبارزه طبقه کارگر بر ضد سرمایه‌داری هموار می‌سازد.»

مقدمه

بی‌تردید، بسیاری از مصائب و معضلات گریبانگیر جامعه کنونی ایران ناشی از حکومت جمهوری اسلامی است. محروم کردن زنان از حق طبیعی و مسلم‌شان بر بدن خویش و تحمیل پوشش اجباری بر آنان؛ دخالت در حریم زندگی شخصی و روابط خصوصی زنان؛ تبعیض جنسیتی و نابرابری حقوقی زن و مرد؛ قانونی‌کردن چندهمسری برای مردان؛ پایمال‌کردن حقوق کودکان؛ سرکوب آزادی‌های سیاسی از جمله آزادی بیان، عقیده، مطبوعات و رسانه‌ها، تشکل، اعتصاب، تحصن، تجمع، راهپیمایی؛ سانسور کتاب، نشریه، فیلم، تئاتر، موسیقی و سایر عرصه‌های هنر، علم، و ادبیات؛ ترویج خرافات؛ تفتیش عقیده؛ تخصیص بودجه‌های نجومی به امور امنیتی، انتظامی، و نظامی و تشکیل نیروهای سازمان‌یافته حقوق و مواجب بگیر لباس شخصی برای سرکوب اعتراض‌های مردم، گشت‌های امر به معروف و ارشاد برای کنترل پوشش زنان، انواع و اقسام سازمان‌ها و بنیادهای مذهبی، آیین‌ها و مراسم مذهبی و ... همگی با بودجه‌های کلان و در واقع از جیب مردم؛ پایمال‌کردن حقوق شهروندان متساوی‌الحقوق و تقسیم آن‌ها به شهروندان درجه یک، دو، و ...، تقسیم جامعه به «خواص» و «عوام» و ممتاز شمردن روحانیان و برپایی دادگاه ویژه و اختصاصی برای رسیدگی به جرم‌های آنان در پشت درهای بسته؛ رواداشتن آزار و توهین و بازداشت و حبس به معتقدان سایر ادیان و مذاهب؛ محدودیت آزادی عقیده؛ اجرای قوانین مجازات اسلامی حد، شلاق‌زدن، بریدن دست و پا و به‌طور کلی قطع یا نقص عضو، پرتاب از بلندی، سنگسار، و قصاص؛ دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر و

تلاش برای برپایی حکومت دینی در این کشورها از طریق «صدور انقلاب»، دشمن تراشی، و جنگ افروزی، ... و در یک کلام تبدیل زندگی انسان‌ها به جهنمی آکنده از استبداد و بی‌حقوقی، رنج و عذاب، ناامیدی، مرگ و نیستی از جمله این مصائب و معضلات است.

ما با تمام این مظاهر حکومت دینی مخالف هستیم. بی‌گمان، رهایی جامعه از استبداد دینی گام بزرگی به پیش است. اما با همین صراحت اعلام می‌کنیم که خواست ما فراتر از مخالفت با حکومت دینی است. تجربه انقلاب سال ۱۳۵۷ به ما نشان داد که از دل جنبش یا انقلابی که وعده «آزادی» و «دموکراسی» دهد اما در زیر پوست‌اش استثمار، فقر، بیکاری، گرانی، کلامبرداری، فساد، فحشا، اعتیاد، قتل، دزدی، و انواع دیگر سیه‌روزی‌ها همچنان رواج داشته باشد هیچ‌گونه جامعه انسانی بیرون نخواهد آمد. به باور ما، معضلاتی که شمای از آن‌ها در بالا فهرست شد فقط نوک کوه مشکلات جامعه ایران است. این‌ها تنها آن دسته از مصائب جامعه ایران‌اند که دنیای سرمایه‌داری و رسانه‌هایش بر آن‌ها انگشت می‌گذارند و البته به‌درستی آن را محکوم می‌کنند. اما این دنیا نمی‌خواهد یا، بهتر بگوییم، به سودش نیست که قسمت زیرین این کوه را ببیند، چراکه برملاشدن آن، زمین زیر پای خودش را داغ می‌کند و توان ایستادن بر روی آن را از او می‌گیرد. عامل و مسبب اصلی تباهی زندگی اکثر انسان‌های جامعه ایران این است که برای زندگی هیچ راهی جز فروش نیروی کارشان ندارند. در این جامعه، جدا از خیل عظیم بیکاران، میلیون‌ها انسان مزدبگیر، همچون کارگران صنعتی و خدمات و کشاورزی، کارمندان، تکنیسین‌ها، معلمان، پرستاران، پزشکان، مهندسان، کارشناسان، خبرنگاران، نویسندگان، هنرمندان و به‌طور کلی تمام فروشندگان نیروی کار، که اجزای طبقه کارگر را تشکیل می‌دهند، برای زنده‌ماندن مجبورند نیروی کار (یدی و فکری) خود را به ثمن بخش به سرمایه‌داران بفروشند و بدین‌سان ارزشی بس بیش از مزد خود برای آنان تولید کنند.

توجیه، تثبیت، و پاسداری از سرمایه‌داری با حکومت‌های گوناگونی صورت می‌گیرد که حکومت دینی تنها یکی از آن‌هاست. بسیاری از سرمایه‌داران بخش خصوصی و احزاب و شخصیت‌های سیاسی مدافع آنان نیز خواهان جدایی دین از حکومت‌اند. آنان حکومت دینی را تنها علت مشکلات جامعه جلوه می‌دهند تا سرمایه‌داری را از تیررس مبارزات کارگران دور نگه‌دارند. شعار آن‌ها در واقع این است: حکومت دینی نه، سرمایه‌داری آری.

سرمایه‌داران خصوصی سکولار و طرفدار حکومت غیردینی، جمهوری اسلامی را برای اداره جامعه ناکارآمد می‌دانند، اما خود با احتکار و گران‌کردن کالاها و خدمات، پیمانی و قراردادی کردن اکثریت کارگران، محروم ساختن کارگران از بیمه و امکانات رفاهی و تحمیل کار بر آنان در شرایط ناایمن، پرداخت مزدهای ناچیز، اخراج و بیکارسازی، سرکوب اعتراض و اعتصاب، و دشمنی شدید با هرگونه سازمان‌یابی مستقل کارگری سهم به‌سزایی در پیدایش اوضاع و احوال کنونی دارند. این بخش از طبقه سرمایه‌دار و احزاب و شخصیت‌های سیاسی نماینده آن می‌کوشند با پشتیبانی دولت‌های سرمایه‌داری غربی، تقصیر را تنها به گردن قدرت سیاسی حاکم و سرمایه‌داری شرقی حامی آن بیندازند و نقش سرمایه و سودجویی خود را پنهان سازند و در جنگ بر سر قدرت، کارگران را به سیاهی لشکر خود تبدیل کنند. این‌که روبنای سیاسی مورد نظر این شخصیت‌ها و احزاب سیاسی سلطنت است یا جمهوری «دموکرات» و سکولار تغییری در این واقعیت نمی‌دهد که زیربنای اقتصادی مورد نظر آن‌ها در هر حال سرمایه‌داری است. درست از همین رو، دستیابی آنان به قدرت سیاسی که در اوضاع کنونی بسیار محتمل است- نه تنها سیه‌روزی‌ها و مصائب اقتصادی حاکم بر جامعه ایران را دست‌نخورده باقی خواهد گذاشت و به تغییری اساسی و بنیادین در زندگی اکثریت مردم راه نخواهد برد بلکه، به اقتضای ساختار خاص سرمایه‌داری ایران از جمله وجود

نیروی کار ارزان، مردم را گرفتار شکل دیگری از استبداد سیاسی خواهد کرد. ما تاکید می‌کنیم که ریشه مشکلات جامعه ما سرمایه‌داری است و آنچه در نهایت باید از میان برود رابطه خرید و فروش نیروی کار است.

با توجه به مقدمه فوق، ما امضاءکنندگان زیر بر این باوریم که جامعه ایران در شرایط خطیر و سرنوشت‌ساز کنونی به منشوری نیاز دارد که همچون پرچمی جنبش کارگری را حول آزادی، رفاه، و برابری متحد کند. این منشور، در عین همسویی با جنبه‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه جنبش «زن، زندگی، آزادی»، با تثبیت، تحکیم، و تضمین این جنبه‌ها و نیز ارتقای سطح رفاه کل جامعه و بدین‌سان افزایش توان مادی، فکری، و فرهنگی کارگران از محل ثروت تولیدشده در جامعه («تولید ناخالص ملی») راه را برای مبارزه طبقه کارگر بر ضد سرمایه‌داری هموار می‌سازد. به‌نظر ما، دستیابی جامعه به آزادی، رفاه، برابری و هموارشدن راه مبارزه با سرمایه‌داری در گرو تحقق خواست‌های زیر به نیروی دموکراسی شورایی و سرمایه‌ستیز طبقه کارگر است:

۱- جدایی کامل دین از حکومت به‌گونه‌ای که دین امر خصوصی انسان‌ها شمرده شود؛ ممنوعیت تفتیش عقیده، ممنوعیت تدریس تعلیمات دینی در مراکز آموزشی؛ حذف مضامین دینی از قوانین کشور و آموزش و پرورش؛ حذف هویت دینی افراد از مدارک شناسایی، ممنوعیت دخالت حکومت در تعیین مطالب آموزشی، ممنوعیت حمایت حکومت از هرگونه دین و مذهب؛ ثبت نهادهای دینی و اماکن مذهبی به‌عنوان نهادهای خصوصی؛ ممنوعیت مراسم مذهبی مغایر با کرامت، سلامت، و آسایش انسان‌ها

۲- برخورداری تمام افراد جامعه از آزادی‌های بی‌حصر و استثنای سیاسی از قبیل آزادی بیان، عقیده، مطبوعات و رسانه‌ها، تشکل (اعم از انجمن، کانون، اتحادیه، شورا، حزب و...)، اعتصاب، تجمع، تحصن، تظاهرات، و راهپیمایی

۳- آزادی بی‌قید و شرط تمام زندانیان سیاسی و عقیدتی، انحلال تمام نهادهای سرکوب و ممنوعیت هرگونه شکنجه اعم از روحی و جسمی و واداشتن متهمان به اعتراف علیه خود یا دیگری؛ به‌رسمیت‌شناسی حق دادخواهی برای تمام کسانی که متحمل سلب حق حیات از اعضای خانواده و یا هموعان خود شده‌اند.

۴- انحلال دادگاه‌های ویژه، علنی‌بودن دادگاه‌ها با حضور هیئت منصفه، انتخاب آزادانه وکیل دل‌خواه، و رایگان بودن امور دادرسی؛ تعلیق تمام احکام قضایی صادره و بازنگری آن‌ها در دادگاه‌های صالح با حضور هیئت منصفه

۵- الغای مجازات اعدام

۶- ممنوعیت انجام وظیفه نیروهای نظامی و انتظامی با لباس شخصی و بدون یونیفورم؛ انحلال هرگونه سازمان انتظامی و اطلاعاتی و امنیتی مخفی

۷- الغای هرگونه تبعیض جنسیتی و برقراری برابری حقوقی زن و مرد. برای تحقق این خواست باید:

- زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به خانواده، و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.

- هرگونه دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، پوشش و روابط بین افراد، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود.

- ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه، برابری کامل حقوقی میان آنان، و بدون نیاز به اجازه ولی دختر صورت گیرد.

- هرگونه ازدواج پیش از ۱۸ سالگی ممنوع شود.

- حق زن بر بدن خویش شامل حق تصمیم‌گیری در مورد رابطه جنسی، بارداری، سقط جنین یا عقیم‌سازی به‌رسمیت شناخته شود.

- با ایجاد فرصت‌های شغلی برابر برای زنان و امکانات رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و لباس‌شویی‌های عمومی در محل‌های کار و سکونت، زمینه اجتماعی‌شدن کار خانگی و بدین‌سان از میان‌رفتن آن فراهم شود. تا آن زمان به افراد خانه‌دار اعم از زن و مرد دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل با بیمه و حقوق بازنشستگی پرداخت شود.

- با ایجاد خانه‌های امن دارای امکانات مناسب زندگی همراه با آموزش، مشاوره و درمان تخصصی و پرداخت مستمری کافی تا فراهم‌شدن امکان اشتغال مناسب و زندگی مستقل، زنان خشونت‌دیده یا در معرض خشونت و دختران فراری از خانه مورد حمایت مادی، معنوی، و قانونی قرار گیرند.

۸- به رسمیت شناختن حق انتخاب هویت و گرایش جنسی برای تمام انسان‌ها و ازدواج و به‌طور کلی هرگونه زندگی مشترک بر اساس این هویت‌ها و گرایش‌ها

۹- الغای هرگونه ستم بر اساس تعلق‌های ملی، قومی، نژادی، و مذهبی و برابری حقوقی و شهروندی برای تمام ایرانیان صرف نظر از زبان، پوشش، فرهنگ، نژاد، و مذهب آن‌ها؛ و اولویت دادن به بازسازی مناطقی که به‌علت تعلق‌های فوق از رشد اقتصادی محروم مانده‌اند.

۱۰- الغای کار کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال و تامین معاش آنان به‌صورت ماهانه

۱۱- برخورداری همه مردم از مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی. تحقق این امر درگرو آن است که:

- از ساختمان‌های تحت مالکیت دولت که اکنون در اختیار نهادهای دولتی هستند برای تامین مسکن مردم استفاده شود..

- دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای مردم اختصاص دهد.

۱۲- بهداشت و دارو و درمان رایگان برای عموم مردم

۱۳- آموزش و پرورش رایگان عمومی در تمام سطوح

۱۴- حمل و نقل درون‌شهری رایگان برای عموم مردم در سراسر جامعه

۱۵- مهد کودک رایگان برای تمام مردم

۱۶- حفاظت از طبیعت و جلوگیری از هر گونه آلودگی محیط زیست

۱۷- ایجاد امکانات مدرن لازم برای رفاه بیشتر و زندگی بهتر روستائیان مانند جاده، آب، برق، گاز، تلفن، اینترنت و مراکز آموزشی، درمانی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی در روستاها

۱۸- تعیین حداقل دستمزد ماهانه کارگران براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده‌اند و اختصاص مقدار هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کل مزدبگیران

۱۹- برخورداری تمام افراد جامعه از تامین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی، ازکارافتادگی، و بیمه بیکاری. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.

۲۰- الغای هر نوع قرارداد استخدام موقت، کاهش ساعات کار روزانه و الغای شب‌کاری جز در موارد ضروری و اضطراری

بدیهی است که خواست‌های پیشنهادی ما به جنبش کارگری به موارد بالا محدود نمی‌شوند و ما در اینجا فقط مهم‌ترین مطالبات لازم را برای تحقق آزادی، رفاه، و برابری برشمرده‌ایم.

اول ماه مه ۲۰۲۳ - یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۲

محبوبه ابراهیمی(نویسنده) – فرامرز اخوان(کارگر بازنشسته شرکت سدسازی) – ابراهیم اسماعیلی(کارگر جوشکار و فعال کارگری) – روحی افسر(مترجم، ویراستار، و از خانواده‌های اعدامیان دهه ۶۰ – (آرش افضلی(معلم بازنشسته) – یحیی القاسمی(کشاورز) – بهروز امیری(کارمند بازنشسته شرکت نفت) – بیژن امیری(کارگر بازنشسته پارس خودرو) – حسین امیری(کشاورز) – علی امیری(تور لیدر) – مجید امیری(شغل آزاد) – محمد امیری(کارگر کشاورزی) – مریم ایمانی(فعال زنان) – ونوشه بحرانی(پزشک) – اسماعیل بخشی(کارگر سابق نیشکر هفت‌تپه) – حسین پرهیزگار(فعال سابق دانشجویی) – محمد جعفری(کاسب) – بهرام جهاندار(از خانواده‌های اعدامیان دهه ۶۰) – محسن حکیمی(مترجم) – رضا خندان(مهابادی)(نویسنده) – منوچهر خوش‌بین(فعال کارگری) – روزبه دُر نشان(فعال کارگری) – حامد رازیانی(دانشجو) – فرشته رحیمی(دانش‌آموخته بیکار و خانه‌دار) – محمد رستاره(کارگر بازنشسته کارخانه سیمان) – احمد زاهدی لنگرودی(نویسنده) – مریم سالخورد(نویسنده) – میثم سالخورد(ناشر) – رضا سامانی(کارگر بازنشسته) – فرامرز سدهی(نویسنده) – سارا سیاه‌پور (فعال معلمان) – فخری شادفر(فعال زنان) – آزاده شعبانی(مترجم) – رضا شهبازی(جبارآبادی)(چاپگر و طراح) – حسین شهبواری(کارگر کارگاهی) – رحمان شیرازی(نجار) – آرش صادقی (زندانی سیاسی) – ابراهیم صالح(کارگر بازنشسته) – سیدعلی صالحی(شاعر و نویسنده) – علی صبوری(نویسنده) – ملوک صفاییان(از خانواده‌های اعدامیان دهه ۶۰) – سهیل صوفی(کارمند شرکت بیمه) – موسی علی‌زاده(کارگر بازنشسته) – کاوه فرخ(برقکار) – حیات‌قلی فرخ‌منش (نویسنده) – محمد فروش (راننده) – علاءالدین فرومند(کارگر بازنشسته) – جواد قاسمی(مغازدار) – هنرمند قنبری(کارگر) – علی قویدل(کارگر بازنشسته) – روزبه کریم‌زاده(کارمند) – حسین کشاورز(فعال کارگری) – گلشید کریمیان(نویسنده و از خانواده‌های اعدامیان دهه ۶۰) – منیژه گازرانی(فرهنگ‌نگار و از خانواده‌های اعدامیان دهه ۶۰) – ابراهیم گوهری(کارگر بازنشسته شرکت واحد اتوبوس‌رانی) – اسکندر لطفی(فعال معلمان) – صفدر لطفی(کارگر) – گرشاسب مافی(کشاورز) – شایسته متقی(دانش‌آموخته بیکار) – مهرانگیز محمدی(خانه‌دار) – ناهید محمدی(دانش‌آموخته بیکار و خانه‌دار) – جمیله مصدق(فعال زنان و از خانواده‌های اعدامیان دهه ۶۰) – حجت مهری(مغازدار) – سیامک میرزاده(نویسنده) – علی نجاتی(کارگر بازنشسته نیشکر هفت‌تپه) – منیژه نجم‌عراقی(نویسنده) – محمد نظری(کارمند بازنشسته و زندانی سیاسی سابق) – حسین علی‌نوذری(نویسنده و استاد دانشگاه) – شاپور نوید(کارمند بازنشسته) – عبدالله وطن‌خواه(فعال کارگری) – علی همدانی(کارگر تراشکار) – میراث همدانی(کارمند شرکت خصوصی) – فرخ یاری(دندان‌ساز تجربی) – کامبیز یگانه(تراشکار).